

# حق زبان مادری

« به بهانه درگیری هادی حجازی فر با یک خبرنگار در حاشیه جشنواره فجر



نگاهی به زندگی چارلز داروین  
خالق احساسات جهانی



تحلیل «حسین راغفر» پیرامون اعتراضات آبان ۹۸  
رژه اشرافیت روی گسل های اعتراض!

این جغرافیای غمزده و یاس رسانه‌ای

مصائب روان کاوی!

Ayatmandegar  
biweekly



مسعود روسته  
روزنامه‌نگار



اکبر زمانی  
روزنامه‌نگار

# آیت ماندگار

www.ayatmandegar.ir

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۹۰ | نیمه اول بهمن ۱۳۹۸ | سال پنجم | هشت صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | No.90 First of February 2020 | Political, Social

تحلیلی پیرامون غروب اعتدال و اصلاحات در انتخابات

## چرا نمی‌توان «تکرار» کرد؟

۳۵۲

نگاهی به تحلیل‌های اصلاح‌طلبان و اصولگرایان پیرامون انتخابات مجلس  
بازنده و برنده کیست؟ ۵۵۴

سیر مقاله

فحش می‌دهم، پس هستیم!

مهراد جهانگیری

روزنامه‌نگار

oiooe



## تحلیلی پیرامون غروب اصلاحات و اعتدال در انتخابات چرا نمی توان «تکرار» کرد؟



امیرحسین امیریضی  
روزنامه نگار

هرچه به موعد انتخابات مجلس نزدیک تر می شویم به درستی پیش بینی های یک سال گذشته مبنی بر شکست گسترده و فراگیر اصلاح طلبان و اعتدال گرایان بیشتر پی می بریم. تقریباً آنچه که تحلیل گران سیاسی داخل جامعه با رصد مستقیم وضعیت اجتماعی می دیدند و سعی داشتند آن را به گوش چهره های اصلاح طلب و اعتدال گرا برسانند و گوش شنوایی برای شنیدنش در این چهره ها وجود نداشت. واکنش رییس جمهور اعتدال گرای تدبیر و امید به این تحلیل ها این بود که من هر روز نظرسنجی انجام می دهم؛ از داخل ماشین چهره های مردم را می بینم که راضی و خوشحال اند!

اصلاح طلبان و اعتدال گرایان به رد صلاحیت شان توسط شورای نگهبان معترضند و نظارت استصوابی را بیش از ۲۰ سال است به چالش کشیده اند که این خود مجالی جداگانه برای بررسی مطلب که در اینجا منظور نیست، دارد. اما اصلاح طلبان و اعتدالیون در نظر ندارند حتی اگر تمامی کاندیداهای این دو جناح بی چون و چرا تایید صلاحیت می شدند قطعاً با وضعیت کنونی از فیلتر تایید صلاحیت مردم و انتخاب آنان عبور نمی کردند. بحرانی که اصلاح طلبان و اعتدال گرایان با آن روبرواند

پیش از شورای نگهبان، بحران اقبال عمومی و از دست رفتن سرمایه اجتماعی آنان است. این وضعیت دلایل زیادی دارد اما دو دلیل بزرگ آن، عدم مسئولیت پذیری رییس دولت اصلاحات در قبال دعوت مردم به «تکرار» می کنیم است که مردم «تکرار» کردند، اما ایشان مسئولیتی در قبال حرکت مردم نپذیرفتند و عملاً مفقود شدند و دوم عملکرد ضعیف و پراشتناک فراکسیون امید و دولت معتدله است.

چهره های اصلاح طلب که چهار سال پیش و شاید پیش از آن در اقبال مجدد مردمی سال ۹۲ در انتخاب روحانی، بر سر مصادره و به نام زدن این پیروزی ها دعوا می کردند اکنون هیچ کدام حاضر به گردن گرفتن وضع حال حاضر که ناشی از عملکرد آنان در مجلس و دولت است، نیستند و می گویند خیر! مجلس و دولت اصلاح طلب نبوده است! مردمی که از لیست ۳۰ نفره امید تهران ۲۷ نفر آن را نمی شناختند و تنها به اعتماد سخن آقای خاتمی و دیگر چهره های شاخص اصلاحات به آنان رای دادند، پس از انتخاب شدن لیست امید دیگر از ایشان خبر و حرف و حدیثی در قبال مسئولیت رایی که مردم به هوای ایشان دادند نبود! اصلاح طلبان جدا از سرمایه عظیم مردمی که از دست دادند، چهره های کارزماتیک خود بالاخص با موضوعی که این افراد در دو سال اخیر نسبت به تحولات اجتماعی اتخاذ کردند در نزد حامیانشان را هم

باختند. منظور به این نیست که رای اصلاح طلبان و اعتدال گرایان به جیب اصولگرایان خواهد رفت، بلکه منظور این است که طبقه ای از جامعه که دل در گروی این دو طیف داشتند و برای قدرت گرفتن مجدد آنان خیز برداشته بودند دیگر در حمایت از آنان ظاهر نخواهند شد به جز اقلیتی از این طیف که رای سنتی خود را داشته و دارند.

اصلاح طلبان از شورای نگهبان می نالند، اما این درس را از بیش از ۲۰ سال حضور رسمی شان در سپهر سیاسی ایران نیاموختند که هرگاه اقبال مردمی و پتانسیل اجتماعی خویش را از دست می دهند راحت تر توسط شورای نگهبان هم کنار گذاشته می شوند.

اصلاح طلبان اکنون در میان بسیاری از مخالفان خود به منفعت طلب و استمرار طلب مشهورند تا اصلاح طلب و دلیل آن عملکرد خودشان است. برخی فرزندان و وابستگان وزرای اصلاح طلب مشغول کسب درآمد از طریق رانت، محکومیت های قضایی به دلیل فسادهای مالی، انفعال و روزه سکوت رییس فراکسیون امید، سکوت نسبت خواسته های مردمی که رای شان را از آنان گرفتند، عدم شفافیت و صداقت با مردم و ایفای نقش وکیل الدوله به جای وکیل ملت بودن، تنها گوشه ای از بلاهایی است که دولت تدبیر و مجلس امید بر سر خود آوردند.

بزرگترین خطای اساسی اصلاح طلبان و اعتدال گرایان پس از فتح ریاست جمهوری و مجلس همیشه این بوده و هست که به جای اینکه رییس جمهور و نماینده مجلس مردمی باشند که به آنان رای داده اند تا نماینده مردم در حکومت باشند، رییس دولت و نماینده مجلس خود حکومت می شوند!

### تحلیل «حسین راغفر» پیرامون اعتراضات آبان ۹۸

## رژه اشرافیت روی گسل های اعتراض!

حسین راغفر، اقتصاددان یکی از سخنرانان نشست «منطق اعتراضات اجتماعی ۹۸» بود که از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) برگزار شد.

وی ریشه اعتراضات اجتماعی اخیر را در سیاست های انباشتی سه دهه اخیر می داند. از نظر راغفر، اتفاقات رخ داده در سال جاری تنها واکنش مردم به افزایش قیمت بنزین نیست، بلکه واکنش به سه دهه سرکوب دستمزد نیروی کار و رها کردن یک جریان اشرافی گری مبتذل در جامعه است که نابرابری را در بین مردم دامن می زند. بخشی از سخنان وی در ادامه آمده است.

به نظر من اعتراضات اجتماعی آبان ۹۸ یکی از مسائل اصلی جامعه ما است که ما سال ها قبل آن را پیش بینی کرده بودیم. من به خاطر دارم در سال اول بعد از دولت «دهم» (۱۳۸۹) که افزایش قیمت حامل های انرژی صورت گرفت، دولت استدلال هایی را برای این سیاست ها عنوان کرد که این استدلال ها به همان شیوه در دولت «دوازدهم» هم تکرار شد. در آن زمان هم پیش بینی و احتمال ناراضی و شورش های مردمی مطرح شد، اما در همان سال ۱۳۸۹ سخنگوی دولت دهم عنوان کرد که مردم با ما همکاری کردند و کسانی که پیش بینی شورش را داشتند، اشتباه می کردند. البته همان طور که بسیاری از ما به خاطر داریم، در دی ماه ۸۹ که افزایش قیمت ها اعلام شد تمام پمپ بنزین ها توسط نیروهای انتظامی کنترل شد تا ناآرامی ها تحت کنترل درآید. این امر نشان می داد که همه مسئولان هم



همواره در اکثر قریب به اتفاق ارزیابی ها به «پیامدها» توجه می کنند نه به «ریشه ها».

چرا این انفجار صورت گرفت؟ آیا این اعتراضات به دلیل افزایش قیمت بنزین بود؟ آیا تنها این سوخت بود که قاچاق می شد؟ خیر ما سال گذشته بارها و بارها نوشتیم که چه چیزهایی قاچاق می شود و هیچ کس توجهی نکرد و حتی رییس جمهوری گفتند ظرف مدت دو تا سه ماه ۳۰۰ درصد رشد صادرات داشتیم. برای اولین بار در طول تاریخ معاصر، ایران به افغانستان محصولات کشاورزی صادر کرد که به این دلیل بود که «پول ملی را سرکوب» کرده بودیم. آن قدر این پول سرکوب شده که افغان ها ترجیح می دادند تا سیب زمینی و پیاز خودشان را از ایران بخرند و برای تولیدکننده داخلی ما هم صرفه اقتصادی نداشت که بخواد کالای خودش را در داخل کشور به فروش برساند. ما همه این ها را نوشتیم و هیچ کس توجهی نکرد.

«رژه اشرافیت» در تهران و شهرهای بزرگ، خود مهمترین عامل برای ایجاد نفرت و کینه است. بازنده های اقتصادی دارند می بینند که یک فرد کم سن و سال با یک ماشین میلیاردی در حال بالا و پایین رفتن از خیابان های شهر بوده و عیاشی و هزاران کار ناپسند هم انجام می دهد. با این واقعیات نمی توان با مردم از آمار و ارقام سخن گفت. مردم با گوشت و پوست خودشان فساد را حس می کنند. این فساد تنها متعلق به طبقات بالا نیست، بلکه در جنوب شهر هم فساد به اشکال مختلف وجود دارد. مردم مگر نمی بینند که با فاصله شش کیلومتری از بالای شهر مثل خیابان اندرزگو با آن وضعیت زندگی می کند و در پایین شهر مثل دروازه غار مردم با فروختن بچه در حال گذراندن زندگی هستند! این ها مواردی است که موجب انباشت شده و جامعه را آماده انفجار کرده است. شورش مدت زمان مدیدی است که صورت گرفته است، اما نمی خواهیم با آن روبرو باشیم.

انتظار شورش و ناراضی را (در آن زمان) داشتند. زمانی که سخنگوی دولت در آن سال چنین اظهاراتی را ارائه کرد و پیش بینی شورش های جمعی را مردود دانست، من نظرات خود را اعلام کردم که البته از ابتدا و انتهای آن زده شد. من در پاسخ این گونه عنوان کردم که این شورش صورت گرفت ولی چون شما مسئولان در حین عبور از بین مردم، از خودروهای محافظت شده استفاده می کردید، متوجه شکل گیری شورش نشدید. مردم به جای این که پمپ بنزین ها را به آتش بکشند خودشان را آتش زدند! این که آمار اعتیاد به خصوص بعد از افزایش قیمت حامل ها به شدت زیاد شد و بعد از آن یعنی در سال ۱۳۹۰ و سپس در سال ۱۳۹۱ که شاهد رشد سریع قیمت ارز بودیم، درست از همان زمان ما شاهد رشد سریع اشکال مختلف «شورش های علیه خود» شدیم. صف های طولانی جلوی درب سفارت خانه ها، رشد جرایم، افزایش مهاجرت ها به خارج از کشور، فرار مغزها و... این ها همگی اشکال مختلف شورش هستند؛ شورش هایی که طی نادیده گرفتن مردم در سه دهه بعد از جنگ و سیاست های اقتصادی و تغییر ایدئولوژی در جمهوری اسلامی بعد از جنگ به وجود آمد، موجب شد تا پایگاه و خاستگاه اصلی انقلاب یعنی گروه های محروم جامعه از دست برود.

آن چه که ما امروز شاهد آن هستیم تنها در رابطه با ناراضی در حوزه افزایش قیمت بنزین نیست. این انباشت ناراضی های سه دهه گذشته است. ضمن این که باید توجه داشته باشیم اگر مردم می دانستند این افزایش قیمت آخرین افزایش قیمت است، قطعاً رفتار متفاوتی داشته و حتی حاضر می شدند تا بازم این فشارها را تحمل کنند. اما مردم می دانند که این مسئله و چرخه باطل افزایش قیمت ارز و حامل های انرژی منجر به افزایش هزینه تولید شده و افزایش هزینه تولید منجر به افزایش رکود و افزایش قیمت محصولات، بیکاری و تورم خواهد شد. بعد هم عده ای پیدا می شوند و می گویند که «فتر» (فشار اقتصادی بر مردم) فشرده شد، اما در نظر ندارند که نباید در ابتدا فتر ساخت که بخواهیم آن را فشرده کنیم. ما سیستمی ساخته ایم که مرتب فتر می سازد و بعد هم به دنبال راه می گردیم. مثلاً در این زمینه قیمت ارز را افزایش می دهند، که این امر منجر به افزایش قاچاق شده و مشکلات عدیده ای را هم موجب می شود.

اگر دولت قیمت ارز را سه تا چهار برابر نمی کرد قیمت بنزین ۱۰۰۰ تومانی منطقی بوده و قاچاق نمی شد. متأسفانه آن چه اتفاق افتاده این است که





بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب که باور داشتند مردم چاره‌ای جز انتخاب ما ندارند خواهند فهمید که دیگر جز معضل شورای نگهبان با مشکل بزرگ‌تری روبرو هستند و آن شوخی تلقی شدن نقش آنان در سپهر سیاسی ایران توسط مردم است.

اصلاح‌طلبان باید بفهمند که تاریخ مصرف شعارهای کلی و قشنگ گذشته است و باید روشن کنند که چه چیز را می‌خواهند از چه روشی اصلاح کنند و تا زمانی که بخواهند به نام اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایانی تنها با چهره و حرف‌هایی قشنگ‌تر باشند دیگر در میان آرای مردم جایی نخواهند داشت.

آغاز شکست گسترده و حذف وسیع طیف اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا با انتخابات مجلس و کشیده شدن آن به همه انتخابات‌های آینده، حامل یک پیام مهم از طرف مردم به دو طیف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرا است و آن این است که ما دیگر نمی‌خواهیم بین بد و بدتر، بد را انتخاب کنیم

شاید سرفرازانه‌ترین وضعیت برای چهره‌های اصلاح‌طلب و معتدل در حال حاضر، رد صلاحیت توسط شورای نگهبان بود که اتفاق افتاد، اما عجیب است که گویا این طیف سیاسی کمر به نابودی خویش تا نقطه صفر گرفته و اصرار دارد که با تایید صلاحیت توسط شورای نگهبان، برگه رد صلاحیت خود را از مردم را هم دریافت کنند. این مسئله تنها یک دلیل دارد و آن باور اشتباه این دو طیف سیاسی است مبنی بر اینکه مردم که چاره‌ای جز انتخاب بین بد و بدتر که ندارند ما هم که چهره بد هستیم، پس مردم چاره‌ای جز رای دادن به ما ندارند! تقریباً این استدلال آن قدر مسخره است که بگوییم تمام انسان‌ها دو چشم دارند و تمام ایرانی‌ها هم دو چشم دارند، پس هر فردی دو چشم دارد ایرانی است! متأسفانه کسانی که از سال ۹۲ تا امروز مجدداً با اقبال عمومی از مردم رای گرفتند نفهمیدند که اگر این فرصت را هم خراب کنند حتی اگر برای خودشان بعداً در تشخیص مصلحت صندلی دست و پا کنند از تفکر و رویکرد سیاسی رو به جلوی مردم حذف خواهند شد و از آنجا که سیاست در ایران چهره‌گرا و فردگرا است نه حزب‌گرا، با حذف خود جناح سیاسی خود را هم حذف خواهند کرد.

انتخابات آینده مجلس به اصلاح‌طلبان ثابت خواهد کرد که دیگر دوران استدلال انتخاب بین بد و بدتر در نزد مردمی که به دلیل ترس از بدتر به آنان رای می‌دادند تمام شده است و به تبع آن، خوردن نان بدتر بودن جناح مقابل آجر شده است. اصلاح‌طلبان خواهند فهمید که دیگر با اثبات بدی طرف مقابل نمی‌توانند خوب بودن خود را ثابت و کسب رای و کرسی و مقام انتخابی کنند. این درسی بود که اصلاح‌طلبان باید در انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۴ می‌گرفتند و نگرفتند، در نتیجه تا سال ۹۲ خاکسترنشین شدند.

و اساساً چرا باید انتخاب بد کنیم؟ اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گراها وضعیتی برای مردم و کشور ایجاد کردند که احتمالاً دولت و مجلس اصول‌گرا که نقش بدتر را به آن می‌دهند احتمالاً همین وضع را ایجاد می‌کرد. تاسف‌بارتر زمانی است که آقای روحانی رییس دولت معتدله در هنگام نزدیک شدن به لحظات ملکوتی انتخابات دم از دفاع از جمهوریت می‌زنند!

دولت تدبیر و مجلس امید چه دستاوردی داشته‌اند که مجدداً از مردم رای می‌خواهند؟ کدام خواسته مردمی که به آنان با هر انگیزه‌ای رای دادند، تحقق بخشیدند و یا در جهت آن تلاش کرده‌اند و نتیجه کارشان را به مردم گزارش دادند و یا دلایلی که نمی‌شود آن خواسته‌ها را عملی کرد را با مردم در میان گذاشتند؟

وقتی وزرا و وکلای دولت و مجلس انتخابی در برابر انتقادات مردم جواب‌شان این است که رای داده‌اید و این شیوه را انتخاب کردید، پس ساکت باشید احتمالاً فکر نمی‌کردند که گذر پوست جز به دباغ خانه نیست!

به‌رحال چه خوب و چه بد، چه درست و چه غلط چه بدبختانه و چه خوشبختانه، تاریخ مصرف اکثریت چهره‌های سیاسی که نام اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا بر خود گذاردند تمام شده و این شیوه سیاست‌ورزی به نام اصلاح‌طلبی هم منتقضی شده است، اما ذات اصلاحات و نیاز به آن فی نفسه در هیچ جامعه و سیستمی هرگز نخواهد مُرد.

صاحبان بعدی اصلاحات که خود را اصلاح‌طلب خواهند نامید احتمالاً می‌دانند که اصلاح‌طلب بودن شجاعت می‌خواهد، شجاعتی که معلوم کند دقیقاً چه چیزی را به چه شیوه‌ای می‌خواهد اصلاح کند، مرام‌نامه مشخصی به مردم ارائه کند و صریح و شفاف با مردم سخن بگوید.

## نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «آیت ماندگار» عملکرد پنج ماهه مدیرعامل ایران خودرو را بررسی کردند نظم و ثبات در ایران خودرو بیش از گذشته شده است

بخشی از طلب قطعه‌سازان توسط خودروسازان، اتفاقی بود که تا حدی همه را به آینده امیدوار کرد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: تفاهم‌نامه‌ای که ماه‌ها پیش، خودروسازان کشور با وزارت دفاع و در جهت بومی‌سازی قطعات به امضا رساندند یک گام بزرگ و تاثیرگذار بود و اکنون می‌بینیم که بسیاری از قطعاتی که به تبع تحریم‌ها به کشور وارد نمی‌شد توسط قطعه‌سازان خوش‌فکر و تلاش‌گر ما در حال ساخت است.

عضو فراکسیون جوانان مجلس با اشاره به ویژگی جوانی مدیرعامل ایران خودرو گفت: ما همیشه و به‌طور جدی پیگیر این بوده و هستیم که جوانان نخبه در راس پست‌های مدیریتی قرار بگیرند. خوشبختانه آقای مقیمی جزو افراد جوانی است که سال‌ها در وزارت صمت مسئولیت داشته و کاملاً حوزه کاری خود را می‌شناسد.

محمدرضا بادامچی، نماینده تهران در خصوص عملکرد مقیمی در ایران خودرو به «آیت ماندگار» گفت: بنده عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هستم و آشنایی من با حوزه صنعت کمتر از برخی همکاران است، اما حضور یک فرد جوان به‌عنوان مدیرعامل یک مجموعه بزرگ صنعتی که البته از بدنه صنعت هم بوده اتفاقی مبارک است و اعتقاد دارم زمانی توسعه اقتصادی در کشور رقم خواهد خورد که اعتماد به جوانان نخبه بیش از پیش شود.

وی افزود: ما در محاصره شدید اقتصادی قرار گرفته‌ایم و دو سالی است که این وضع ادامه دارد، پس تنها راه چاره، اعتماد به جوانان خوش‌فکر و با استعداد است تا آن‌ها بتوانند به لطف و مدد نیروی جوانی خود در گردش سریع‌تر چرخ‌های اقتصادی کشور کمک شایانی داشته باشند.



سخت و بی‌سابقه اقتصادی، بخش‌های مختلف کشور را دچار مشکل کرده و حال برای برون‌رفت از این وضعیت نیاز است که سال‌ها تلاش و کوششی به‌مراتب بیشتر از گذشته انجام شود. یکی از بخش‌هایی که به تبع تحریم‌ها با آسیب جدی مواجه شد، صنعت خودروسازی کشور بود. منصوری اظهار داشت: خودروسازان ما به دلیل تحریم‌ها و عدم واردات مواد اولیه و بدهی‌های بانکی و سودی که از بابت عدم بازپرداخت‌ها به وام‌ها تعلق گرفته است، دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند. حال و در این شرایط هر فردی که به‌عنوان مدیر انتخاب شود کاری سخت در پیش دارد و نباید کارنامه کاری او را با مدیری که در شرایط امن و آرام مسئولیت داشته است، مقایسه کرد.

این نماینده مجلس دهم یادآور شد: از زمانی که آقای مقیمی در راس شرکت ایران خودرو قرار گرفت چند اتفاق خوب به‌وقوع پیوست. اول، تا حدودی طلب برخی قطعه‌سازان پرداخت شد و این روند باعث امیدواری قطعه‌سازان برای ادامه کار و فعالیت شده است. دوم، علیرغم شدت تحریم‌ها، اما هنوز خط تولید ایران خودرو با قدرت و قوت در حال تولید خودرو است که این تولید آن هم در این شرایط، واقعا کاری بس دشوار است، هرچند که امیدوارم به‌مرور زمان کیفیت خودروها هم بالا برود تا شاهد رضایت حداکثری در جامعه باشیم. سوم، افزایش سرعت خودکفایی در ساخت قطعات.

منصوری در پایان گفت: نیروی جوانی در کنار سلامت کاری دو رکن اساسی برای پیشرفت یک مجموعه است که این دو ویژگی در آقای مقیمی وجود دارد. از این‌رو امیدوارم با نظم و ثباتی که در شرکت ایران خودرو نسبت به گذشته رخ داده است، شاهد اتفاقاتی باشیم که در نهایت با رضایت عموم مردم روبرو شود.

زهراساعی، نماینده تبریز در این خصوص به «آیت ماندگار» گفت: مدت کوتاهی است که آقای مقیمی به‌عنوان مدیرعامل ایران خودرو انتخاب شدند، ولی باید بگوییم که شروع ایشان و پیگیری امور تاکنون خوب و قابل قبول بوده است.

سخت‌گویی فراکسیون قطعه‌سازان مجلس افزود: مشکلاتی که در بنگاه‌های اقتصادی ما و مخصوصاً در حوزه خودروسازی به‌وجود آمده بسیار زیاد است و عمده‌ترین دلیل این اتفاقات، تحریم‌هایی است که آمریکا و هم‌پیمانانش بر علیه ما وضع کردند، اما با این وجود پرداخت

**گروه اقتصادی:** فرشاد مقیمی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت به اتفاق آرای اعضای هیات مدیره ایران خودرو، روز چهارم شهریورماه ۱۳۹۸ به‌عنوان جوان‌ترین مدیرعامل این گروه خودروسازی منصوب شد.

اکنون پنج ماه از فعالیت کاری گروه صنعتی ایران خودرو با هدایت فرشاد مقیمی می‌گذرد و از این‌رو فرصت را مغتنم شمردیم و به سراغ برخی نمایندگان مجلس رفتیم تا نظرات آن‌ها را در خصوص مدیریت جدید این خودروسازی جویا شویم.

محمدرضا منصوری، نماینده ساوه و زرننده در این باره به «آیت ماندگار» گفت: بنده یکی از افرادی بودم که در مجلس به طرح منع بکارگیری بازنشستگان رای مثبت دادم و معتقدم که باید مدیریت کشور را به‌سمت جوان‌گرایی سوق داد.

وی افزود: چند سالی است که اوضاع و احوال خودروسازان ما شرایط خوبی را سپری نمی‌کند و همین روند، باعث ناراحتی و نگرانی مردم هم شده است. از طرفی، هیچ مدیری هم حاضر نیست که به‌راحتی مجموعه‌ای که با مشکلات و بدهی‌های زیادی روبرو است را قبول کند، اما آقای فرشاد مقیمی که فردی جوان و کارکرده در حوزه صنعت است، مسئولیت مدیرعاملی شرکت ایران خودرو را قبول کرد و با نظارت‌هایی که تاکنون از سوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس صورت گرفته است، هیچ نقطه منفی که نشان از عملکرد ضعیف ایشان داشته باشد به ما نرسیده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تصریح کرد: وضعیت دو سال اخیر کشور به نسبت سال‌های گذشته بسیار متفاوت است. تحریم‌های



## نگاهی به فراز و فرودهای توسعه سیاسی در ایران

# جدال با نوسازی!

بر اساس آن ارزش‌ها و اهداف هر کسی در رابطه با ارزش‌ها و اهداف نظام بین‌الملل تعریف می‌شوند.

توجه و تاکید افراطی بیشتر اندیشمندان حوزه نوسازی سیاسی بر نمونه‌ها و الگوها، معیارها و ملاک‌های بین‌المللی توسعه اما همواره انتقاداتی را متوجه نظریه‌های مربوط به نوسازی سیاسی کرده است. منتقدان بر این باورند که هر جامعه باید نوسازی را از دید و منظر ارزش‌ها و اصول بومی و محلی خود آغاز کند تا بتواند به توسعه و رشدی همگانی و طولانی مدت که با تمامی ابعاد و شئون اجتماع سازگار است، دست یابد.

در همین زمینه، «محمد عابدی‌اردکانی» در کتاب «سنت و نوسازی سیاسی» می‌نویسد: نوسازی سیاسی به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن نخبگان با هر نوع ایدئولوژی سیاسی به‌طور موفقیت‌آمیزی درصدد تفسیر ارزش‌های بومی (ملی، فرهنگی یا مذهبی) به گونه‌ای برمی‌آیند که بسیج و مشارکت مردمی، همبستگی، حس اعتماد به نفس، هویت فردی و اجتماعی، جرات و جسارت و توان سیاسی و تاسیس نهادهای سیاسی عقلانی و تخصصی و تفکیک‌یافته را در پی داشته باشد.

روند توسعه سیاسی در ایران افت‌وخیزهای خاصی داشته است که تاریخ توسعه سیاسی در کشورمان را با دیگر جوامع به‌ویژه جوامع غربی متفاوت می‌کند.

با پیروزی انقلاب مشروطه بر حکومت مطلقه شاهی در سال ۱۲۸۵، برخی از مولفه‌های توسعه سیاسی از جمله مشارکت سیاسی در قالب ایجاد نظام پارلمانی بروز و ظهور یافت که تصویب قانون اساسی و متمم آن نتیجه چنین مشارکت سیاسی بود؛ رخدادی که خود قدمی در مسیر توسعه سیاسی به‌شمار می‌رفت. این دوره نخستین دوره از توسعه سیاسی در ایران به‌شمار می‌رود.

این دوره اگرچه با آغاز سلطنت رضاشاه در ۱۳۰۴ به پایان رسید، اما سرآغاز روند توسعه سیاسی در ایران است، زیرا نخست‌وزیر یا همان رییس‌الوزرا به‌جای پادشاه امور اجرایی را در اختیار می‌گرفت و پادشاه صرفاً سلطنت داشت. مجلس نیز که خواست‌های مردم را نمایندگی می‌کرد، عملکرد به نسبت مستقل و مقتدرانه‌ای داشت. مسئولیت و پاسخگویی نخست‌وزیر در مقابل مجلس شورای ملی نیز یکی از محدودیت‌هایی بود که بر سر راه استبدادطلبی و خودکامگی قرار داشت.

توسعه به‌ویژه توسعه سیاسی ارائه داده‌اند. «رابرت پکینهام» نوسازی سیاسی را اینگونه تعریف می‌کند: «کارکردی از یک نظام اجتماعی است که مشارکت‌های مردمی را در فرآیندهای حکومتی و سیاسی در تمام سطوح آسان می‌سازد و پر کردن شکاف‌های منطقه‌ای، مذهبی، کاستی، زبانی، قبیله‌ای یا شکاف‌های دیگر را تسهیل می‌کند».

«ساموئل هانتینگتون» از جمله اندیشمندان است، که نظریات مهمی در باب نوسازی سیاسی دارد و در این باره تعریف خاصی را ارائه می‌دهد. وی در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی»، می‌نویسد: «نوسازی سیاسی یکی از ابعاد نوسازی است. نوسازی سیاسی را باید حرکت از جامعه سنتی به جامعه نوین دانست».

به باور این اندیشمند، دگرگون‌سازی ارزش‌های سنتی و الگوهای رفتاری، گسترش دامنه وفاداری‌ها از خانواده، دهکده و قبیله به ملت، عقلایی کردن ساختار اقتدار، جایگزین‌سازی معیارهای دستاوردی به‌جای معیارهای انتسابی و روی آوردن به یک نظام برابانه توزیع منابع مادی، از جمله شرایط نوسازی سیاسی محسوب می‌شوند.

برخی اندیشمندان نیز نوسازی را مفهومی نسبی و ذهنی می‌دانند. «نیتل» و «رابرتسون» نوسازی را فرآیندی می‌دانستند که نخبگان ملی به کمک آن به‌طور موفقیت‌آمیزی احساس حقارت‌شان را کاهش می‌دهند و به سمت تعادل با ملل جا افتاده و برخوردار از مقام و منزلت بالا حرکت می‌کنند. به باور این دو، این هدف از یک سو به ارزش‌ها و مقتضیات نظام بین‌المللی بستگی دارد و از سوی دیگر به ارزش‌ها، حالات و توانایی‌های نخبگان نسبت به خواسته‌های ملت.

کانون و محور اصلی این تحلیل، نظام بین‌المللی است، یعنی نظامی که

نوسازی و توسعه سیاسی ناظر بر اهدافی است که تحقق آن می‌تواند به کاهش شکاف میان نهادهای سیاسی با سایر نهادها در اقتصاد و جامعه منجر شود و از این طریق راه ترقی، پیشرفت و رفاه همگانی هموار خواهد شد.

توسعه یا نوسازی مفهومی است که برای تبیین تحولات عصر مدرن به‌کار گرفته شده است.

توسعه، دگردیسی و تغییراتی ایجاد می‌کند و به پیوستگی هرچه بیشتر نهادهای دولتی و اجتماعی یاری می‌رساند. در این میان، توسعه سیاسی یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های توسعه به‌شمار می‌رود که مفاهیم مدرنی چون دولت ملی، ارتش ملی، بوروکراسی، اقتصاد بازار، تکنولوژی مدرن و غیره بی‌شک زاده آن هستند؛ مفاهیمی که تحقق آن‌ها در یک جامعه به آرامش اجتماعی و رفاه مادی بیشتر برای شهروندان می‌انجامد.

مطالعات توسعه در نیمه دوم سده بیستم، از سوی پژوهشگران غربی به‌عنوان رشته‌ای مستقل ایجاد شد. نگرانی از تضعیف موقعیت غرب نسبت به شوروی در کشورهای جهان سوم و ترس از نفوذ و گسترش کمونیسم در این کشورهای فقیرزده، عامل اصلی بسط مفهوم توسعه نزد پژوهشگران غربی بود.

پس از جنگ جهانی دوم، اقتصاد توسعه نیز به‌عنوان شاخه‌ای در علم اقتصاد و در خلال مطالعاتی که پیش از آن دوره به اقتصاد استعماری معروف بود، شکل گرفت.

به‌طور کلی، هدف اولیه از مطالعات توسعه، شناسایی چشم‌اندازهای اقتصادی جهان سوم پس از استعمارزدایی و استقلال این کشورها بود. اندیشمندان مختلف در طول دهه‌های گذشته تعاریف متنوعی را از

## نگاهی به تحلیل‌های اصلاح‌طلبان و اصولگرایان پیرامون انتخابات مجلس

# بازنده و برنده کیست؟

کردند. جریان و گروه دیگری هم در داخل هستند که نسبت به شیوه برگزاری انتخابات اعتراض دارند و سید نامزدها را بزرگ تلقی نمی‌کنند و با اعتقاد به مشارکت و صندوق‌محوری با توجه به شرایط ایجادشده، به‌نوعی درباره بی‌فایده‌گی صندوق سخن می‌گویند. من با همه این شرایط و دیدگاه‌های موجود معتقدم که صندوق رای، دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی ما است.

روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی با عنوان «استراتژی انتخاباتی کارگزاران» آورده است: حزب کارگزاران موضع خود درباره نحوه حضور در انتخابات مجلس دهم را اعلام کرد. چند روز پس از آنکه شورای عالی اصلاح‌طلبان از تصمیم برای عدم ارائه لیست انتخاباتی برای حوزه انتخابیه تهران در انتخابات دوم اسفندماه امسال خبر داد، شورای مرکزی کارگزاران سازندگی ایران در جلسه خود مقرر کرد که تصمیم‌گیری درباره حمایت یا عدم‌حمایت از لیست در استان‌ها به شورای کارگزاران سازندگی همان استان سپرده شود.

همچنین شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی تصمیم گرفت برای جمع‌بندی در مورد لیست تهران، هفته آینده جلسه فوق‌العاده برگزار کند، بنابراین موضع این حزب درباره انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه تهران به جلسه آتی موکول شد. بر این اساس حزب کارگزاران پس از بررسی اسامی تایید صلاحیت‌شدگان در تهران، جمع‌بندی کمیته انتخابات را در دستور جلسه فوق‌العاده شورای مرکزی این حزب که هفته آینده برگزار خواهد شد، قرار می‌دهد.

محمود میرلوحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در بخشی از گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، در پاسخ به این پرسش که آیا امکان بروز و ظهور جریان سوم با حضور دو طیف احمدی‌نژادی‌ها و قالیبافی‌ها هست یا خیر؟ اظهار داشت: واقعیت امر این است که شرایط این انتخابات طوری طراحی شده که بین خود اصولگرایان رقابت می‌شود. آقای احمدی‌نژاد از طیف قالیباف اعلام استقلال می‌کند. اصولگرایان معتدل را هم رد صلاحیت کردند و به‌جز قالیباف سه بخش بیش‌تر در صحنه حضور ندارند. اگر اصلاح‌طلبان در صحنه بودند هر سه طیف با هم متحد

به دشمنان انقلاب داده شود و به دنیا مدعی دموکراسی در عمل نشان دهیم که ایران مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و امور اجرایی کشور با مشارکت آنان پیش می‌رود.

**آسیب‌شناسی، موانع، توصیه‌ها و راهبردهای انتخاباتی اصلاح‌طلبان**  
روزنامه ایران در بخشی از یادداشتی به قلم علی ربیعی، دستیار ارتباطات اجتماعی رییس‌جمهوری و سخنگوی دولت با عنوان «صندوق‌های رای و امروز و فردای ایران» نوشته است: هفته گذشته مهمترین مباحث در فضای سیاسی و عمومی کشور همچنان بحث انتخابات بود. موافقان و مخالفان و گروه‌های مختلف، بحث‌هایی را مطرح کردند. در همین راستا مقام معظم رهبری هم در آخرین موضع‌گیری خود فرمودند: «برگزاری پرشور انتخابات و حضور همگانی مردم در پای صندوق‌های رای، تضمین‌کننده امنیت کشور خواهد بود». ایشان با دعوت همگانی از مردم برای شرکت در انتخابات تاکید کردند: «ممکن است کسی از بنده خوشش نیاید، اما اگر ایران را دوست دارد، باید به پای صندوق رای بیاید؛ بنابراین هرکس به ایران علاقه‌مند است و امنیت کشور، حل‌شدن مشکلات و گردش صحیح نخبگانی را دوست دارد، در انتخابات شرکت کند». این نگاه همواره مقوم و مدافع برگزاری پرشور انتخابات بوده و همواره نگاه انتخاب‌گر را در مقابل انفعال و انزوا برگزیده است. این نگاه کلان‌گرا و آینده‌نگر را باید در مقابل جریانی قرار داد که همیشه تحریم صندوق رای را تبلیغ می‌کنند که هدف آن‌ها خارج کردن چهره جمهوری اسلامی ایران از یک نظام صندوق‌محور است. این گروه در ۴۰ سال اخیر در آن‌سوی اعتقاد به صندوق، راه تحول ایران را در کشاندن به اقدامات خشونت‌آمیز می‌دانند و حتی از تحریم‌های ترامپ هم حمایت



**جهانگیر مصلی:** یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نزدیک است، اما و اگرهای بسیاری از حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رای مطرح می‌شود. رد صلاحیت بسیاری از نخبگان جناح سیاسی اصلاح‌طلب در این دوره از انتخابات، حضور فعال و همه‌جانبه آنان در سطح کلان کشور با ابهام روبرو ساخته و از سویی تحریم‌های ناجوانمردانه آمریکا که هر روز به بهانه‌های واهی در حال تشدید است این ادعا مطرح است که شاید در این دوره با ریزش آرا مردم مواجه شویم. حال در چنین شرایطی برای مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، اجرای یک امر واجب و ضروری به‌نظر می‌رسد، اینکه لازم است با ریزنی و حتی مداخله و تعامل در ارکان نظام با تدبیر و تعامل این گره گشوده شود تا مردم با اشتیاق و با ایده‌ها و دیدگاه‌های مختلف در پای صندوق‌های رای حضور یابند تا از این رهگذر پیام دندانشکنی



شده، مورد بررسی قرار داده و استدلال می‌کند که این سه عامل در تعامل با هم از موانع توسعه سیاسی در ایران بوده است. «عبدالعلی قوام» مدرس علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی نیز در کتاب «توسعه سیاسی و تحول اداری» هدف اصلی از ورود به فرآیند نوسازی را افزایش ظرفیت نظام برای پاسخگویی مناسب‌تر نسبت به تقاضاهای فزاینده جامعه می‌داند. اینها همه نشان می‌دهد که اگرچه با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، بخشی از طرفداران توسعه سیاسی از عرصه اجتماعی پیش از انقلاب اسلامی وارد عرصه سیاسی پس از انقلاب شدند، اما برخی از این مدافعان توسعه سیاسی به مرور از اهدافشان فاصله گرفته و نتوانستند آن‌گونه که باید مولفه‌های توسعه سیاسی را در کشور به بار بنشانند. اجرای این مهم بی‌شک نیازمند پایبندی به آرمان‌های توسعه سیاسی و نیز درک درست سیاست مدرن و الزامات آن از سوی آنان است و می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر از گذشته رقم زند.



ریاست‌جمهوری، مجلس، خبرگان و شوراها صورت گرفته که موجب چرخش نخبگان بوده است. دست به دست دادن دولت‌ها و مجالس بین جناح‌های سیاسی در جمهوری اسلامی همواره از طریق انتخابات انجام شده و از روش‌های غیردموکراتیک مثل کودتا استفاده نشده است در حالی که در بسیاری از کشورها از طریق کودتا این اقدامات انجام می‌شود.

حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه کیهان در بخشی از یادداشتی با عنوان «خدایا خودت راه راست را به طرف ما کج کن!» نوشته است: انتظار می‌رفت دولت محترم از تجربه تلخ گره زدن همه امور کشور به مذاکره با آمریکا که فاجعه برجام فقط یکی از انبوه خسارت‌های آن بوده است درس گرفته باشد و بقیه عمر دولت را صرف گره‌گشایی از مشکلات فراوانی کند که به ملت تحمیل کرده است، اما متأسفانه این انتظار نه فقط برآورده نشده بلکه آقای رییس‌جمهور بدون توجه به مسئولیت سنگینی که برعهده دارد، ساز تازه‌ای کوک کرده است و با توصیه کسانی که دولت ایشان را رحم اجاره‌ای خود می‌دانستند، اصرار دارد کماکان در بیراهه‌ای گام بردارد که تاکنون پیموده است.

چند روز قبل، حزب اتحاد ملت ایران اسلامی (تابلوی جدید همان حزب منحل مشارکت!) نامه‌ای خطاب به ایشان نوشته و از رییس‌جمهور خواسته بود با تهیه لایحه‌ای، «نظریه تفسیری شورای نگهبان درباره اصل ۹۹ قانون اساسی» را به رفراندوم بگذارد! و آقای روحانی در پی نوشت این نامه نوشته است: «لایحه‌ای برای اصلاح بخش نظارت با کمک جناب آقای دکتر رحمانی فضلی، سرکار خانم دکتر جنیدی و جناب آقای دکتر امیری تهیه و ارائه شود... در این باره گفتنی‌هایی هست.

شریعتمداری در پایان این یادداشت گفته است: دولت و مدعیان اصلاحات به‌جای اینکه از فاجعه‌آفرینی و خسارت‌های فراوانی که به ملت تحمیل کرده‌اند دست بردارند، در پی نهادینه کردن حرکت پلشت خود هستند. دقیقاً مانند کسانی که به هیچ صراطی مستقیم نبودند و به‌جای اصلاح خود، دست به دعا برداشته و می‌گفتند: «خدایا، خودت راه راست را به طرف ما کج کن.»

به‌شدت سرکوب شد. نگاهی به روند توسعه سیاسی و اجتماعی در دوران پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، برخلاف آنکه برخی گفتمان‌های رسمی پس از انقلاب پیشرفت‌هایی را در خصوص شاخص‌های توسعه نسبت به حکومت پهلوی به ثبت رسانده‌اند، هنوز نمی‌توان این ایده را تایید کرد که نظام جمهوری اسلامی از منظر توسعه سیاسی به مدل حکمرانی خوب نزدیک شده است، چراکه در خصوص وضعیت برخی از شاخص‌های مهم توسعه و مدل حکمرانی خوب در ایران در مقایسه با متوسط جهانی آن‌ها، کشور ایران نتوانسته رتبه‌های خوبی را به‌دست آورد.

بشیریه در کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران» به‌عنوان پژوهشی که به موانع تاریخی و ساختاری توسعه سیاسی در ایران می‌پردازد، سه عامل ساختار قدرت سیاسی، شکاف‌ها و چند پارگی‌های اجتماعی و فرهنگی از قبیل سنت و تجدد و فرهنگ سیاسی به‌ویژه فرهنگ سیاسی گروه حاکمه را که از آن به‌عنوان فرهنگ سیاسی پدرسالارانه نام برده

رضاشاه اما مسیر توسعه سیاسی حاصل شده به‌موجب انقلاب مشروطه را به‌سمت اقتدارگرایی منحرف کرد و مولفه‌های توسعه سیاسی را حذف و تهی از معنا کرد.

از نگاه او، نوسازی کشور تنها از راه خودکامگی و سرکوب نهاد‌های دموکراتیک دست‌یافتنی بود. پس از اشغال ایران به‌دست انگلیس و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضاشاه و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، اختناق و سرکوب گذشته تا حدی تعدیل و فرصتی دوباره فراهم شد تا نگاه آزادی‌خواهان به عرصه سیاسی معطوف شود. اگر چه اندیشمندان سیاسی ایران از جمله «همایون کاتوزیان» ۱۰ سال نخست این دوره را بی‌نظم و ترتیب می‌خوانند، اما در این دوره قدرت مجلس تا اندازه‌ای به قدرت دربار می‌چربید. از این‌رو در این دوره شاهد برخی نشانه‌های توسعه سیاسی بودیم.

«حسین بشیریه» محقق و مدرس سیاسی در مورد این مقطع زمانی می‌گوید: «در ۱۰ ساله اول، چنانکه گفتیم نظام سیاسی متکثر و کم‌وبیش مبتنی بر اجرای قانون اساسی بود. در نتیجه مجلس مهم‌ترین نهاد سیاسی به‌شمار می‌رفت. در همین دوران دربار سلطنتی چندان قدرتی نداشت و بسیاری از امتیازات خود را از دست داد. برخلاف گذشته مجلس به‌جای دربار تعیین وزرا را به‌عهده گرفت. همچنین مجلس قانونی در خصوص بازگرداندن اراضی سلطنتی به صاحبان اصلی آن‌ها تصویب کرد. در انتخابات مجلس چهاردهم پس از سقوط رضاشاه، دربار نتوانست هیچ‌گونه نفوذی اعمال کند.»

دوره سوم روند توسعه سیاسی مربوط به دهه ۱۳۳۰ است. در این دوره که از اواخر دهه ۱۳۳۰ آغاز شد و در مقطعی کوتاه اوایل دهه ۱۳۴۰ پایان یافت، انجام اصلاحات اقتصادی - سیاسی در ایران در دستور کار قرار گرفت.

این دوره همزمان بود با روی کار آمدن دولت «جان اف کندی» در آمریکا و استراتژی دولت او برای در امان ماندن کشورهای جهان سومی وابسته به آمریکا از انقلاب‌های کمونیستی؛ استراتژی که معطوف به برخی اصلاحات و آزادی‌های مدنی قابل کنترل بود تا در کشورهای جهان سوم زمینه‌ای برای انقلاب‌های کمونیستی ایجاد نشود.

در نتیجه این دیدگاه، فضای سیاسی و اجتماعی ایران تا حدی گشوده شد، اما با وجود مبارزات پراکنده و مستقل آزادی‌خواهان و گروه‌های سیاسی وابسته به آنان، این فضا در واپسین سال‌های حکومت پهلوی

می‌شدند، اما الان که جریان اصلاحات نیست، رقابت بین این سه گروه برگزار می‌شود.

واقعیت این است که از دی ۹۶ فضای کشور تبدیل به یک فضای دیگر شد. ناراضی‌های مردم اول از دولت و شخص رییس‌جمهور آغاز شد و موج «پشیمان هستیم» به راه افتاد و بعد به سایر حوزه‌ها نفوذ کرد. سپس فراکسیون امید با چالش‌های جدی روبرو شد. بر این اساس است که می‌گوییم شعارها و برنامه‌های سال ۹۴ افکار عمومی امروز را قانع نمی‌کند. ما که در انتخابات‌های مختلف حضور داشتیم و سرد و گرد چشیدیم این حرف را می‌گوییم. آقای جلیلی اخیراً در دانشگاه شهید بهشتی سخنرانی داشته و فقط ۳۰ نفر در جلسه حاضر بودند. پیش‌تر در انتخابات گذشته در اسلامشهر سخنرانی داشته و همین تعداد در جلسه حاضر بودند، اما در همان زمان، سال‌های دیگر کشور مملو از جمعیت اصلاح‌طلبان بود.

**توصیه‌ها، برنامه‌ها، وعده‌ها و برنامه‌های انتخاباتی اصولگرایان**  
در بخشی از مناظره دو نماینده اصلاح‌طلب و اصولگرا در خبرگزاری مهر با عناوین «قاضی‌زاده: اصلاحات مظلوم‌نمایی می‌کند/ وکیلی: مشکل، شورای نگهبان نیست» آمده است: برای بررسی دو موضوع «عملکرد نظارتی مجلس دهم» و «مشارکت در انتخابات» مناظره‌ای در خبرگزاری مهر بین «محمدعلی وکیلی» نماینده اصلاح‌طلب مجلس و عضو فراکسیون امید و «سیدامیرحسین قاضی‌زاده» نماینده اصولگرا و عضو فراکسیون ولایتی ترتیب دادیم. هر دو عضو هیات رییس مجلس هستند و در جایگاه هیات رییس نیز یکی سمت راست و دیگری با کمی فاصله، سمت چپ لاریجانی می‌نشینند.

در میانه بحث نیز وقتی وکیلی خواست به این سوال پاسخ دهد که سهم عملکرد دولت و شورای نگهبان در میزان مشارکت در انتخابات چقدر است، قاضی‌زاده با خنده به او گفت: «شما تازه تایید صلاحیت خود را گرفته‌اید، بنابراین در اظهار نظر در مورد شورای نگهبان بیشتر مراقبت کنید.»

وکیلی نظرات متفاوتی از سایر اصلاح‌طلبان دارد، او می‌گوید: «مشکل جریان اصلاح‌طلبی، شورای نگهبان نیست، بلکه انقراض نسلی است که

در جریان اصلاح‌طلبی رخ داده است.»

تاکید این نماینده اصلاح‌طلب در خصوص مشارکت در انتخابات هم با نظرات غالب اصلاح‌طلبان تفاوتی معنادار دارد، وکیلی تاکید می‌کند: «اگر فقط یک نفر اصلاح‌طلب تایید صلاحیت شده داشته باشیم، برای حفظ سازمان‌رای‌مان باید بدون پیش‌شرط در انتخابات مشارکت کنیم.»

علی‌اکبر کریمی، عضو شورای مرکزی فراکسیون ولایتی مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری درباره افرادی که سلامت انتخابات را زیر سوال می‌برند، می‌گوید: این امر واقعیت تلخی است. واقعیت تلخ این است که عده‌ای از بدو پیروزی انقلاب همواره سر سفره انقلاب نشسته‌اند یا در مناصب حکومتی حضور داشتند، اما همواره نقش اپوزیسیون را برای انقلاب بازی کردند. این افراد در فرآیند انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و شوراها وارد نظام و در همین فرآیند احراز صلاحیت شدند. زمانی که احراز صلاحیت‌ها و نتیجه انتخابات به نفع آنان بوده است، بر سلامت انتخابات صحنه گذاشته‌اند، اما اگر احراز صلاحیت‌ها و نتیجه بر خلاف آن‌ها بوده است، کل فرآیند انتخابات را زیر سوال برده‌اند.

عضو شورای مرکزی فراکسیون نمایندگان ولایتی مجلس این اقدام را غیرمنصفانه و ناسپاسی نسبت به نظام خواند و تصریح کرد: این رفتار اصلاح‌طلبان و برخی اعتدالیون منافقانه است و حرکتی برای مقابله با خواست مردم و زیر سوال بردن نهادهای حکومتی است. این افراد پایگاه رای مردمی ندارند و به‌جای اصلاح رفتارهای سیاسی و اقتصادی‌شان برای جلب نظر مردم، فضای انتخابات و نهادهای قانونی را زیر سوال می‌برند. این افراد باید به مردم اعتماد کنند و اجازه دهند مردم انتخاب کنند و به آرای عمومی انتخابات پایبند باشند. این اقدامات خلاف قانون و غیرمنصفانه است. فصل‌الخطاب، قانون است و همه افرادی که در صحنه انتخابات حضور دارند باید به قانون تمکین کنند.

نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی، صندوق آرا را راه حل مشکلات کشور خواند و گفت: در نظام جمهوری اسلامی همواره سلابق مختلف حضور داشتند و در ۴۱ سال گذشته، انتخابات متعدد برای

تفحص

## مصائب روان کاوی!

ژیل دلوز و فیلیکس گتاری متفکرین فرانسوی در مورد روان کاوی بر این عقیده بودند که روان کاوی به جای اینکه در کاری مشارکت کند که



آزادسازی حقیقی را برمی آورد، می‌کوشد تا در سرکوب‌گری بورژوازی آن هم در سطحی بسیار ژرف عمل کند یعنی یوغ مہارکننده ددی - مامی (بابا جون - مامان جون) را برگردن انسان اروپایی محکم می‌کند و هیچ تلاشی هم برای از میان برداشتن این مسئله نمی‌کند. از این جهت وقتی گمان می‌برید که بیمار روانی هستید اولاً تردید کنید که آیا بیمارید یا بر مبنای علائمی گمان می‌برید که بیمارید؟ این علائم دقیقاً ساخته همین جریان سرکوب‌گری دلوز و گتاری است. برخی بیماری‌های روانی به‌نحوی ساخته می‌شود که در مرحله بعد مشکلاتی همچون اقتصادی و اجتماعی و... در جامعه موجبات بیماری فردی می‌شود که ما را مجاب می‌کند که به روان کاو یا روان شناس یا روان پزشک روی بیاوریم! مثلاً وقتی بیکاری و کسی از تو می‌پرسد چکار می‌کنی و می‌گویی بیکاری این یک سرخوردگی در تو ایجاد می‌شود، چون جامعه پذیرای کسی نیست که شغلی نداشته باشد با اینکه مردم همین جامعه می‌دانند بیکاری امری فردی نیست بازم نگاه تحقیرآمیزی به بیکار دارند و باید دانست که به توانایی فردی آن چنان ارتباطی ندارد. فرد برای درمان به یک روان کاو یا روان پزشک رجوع می‌کند در صورتی که این معضل را سیاست و جامعه باید حل کند. فرد روبرویش روان کاو را مشاهده می‌کند! روان پزشکی در جامعه‌ای که ساختار دینی‌اش کم رنگ می‌شود نمود بیشتری خواهد داشت، زیرا فرد مستاصل و از هم گسیخته برای کاهش تشویش‌هایش نیاز به آرامش دارد و این آرامش به‌واسطه دارو یا حرف‌های روان پزشک و یا روان کاو به‌دست می‌آید. روان پزشک یک داروی غالباً مخدر را برای تخدیر کردن روح و جان فرد تجویز می‌کند.

روان کاوی در ایران هنوز به شکل بدتر در غرب به خورد مردم داده

کنترل می‌کنند که فرد را اغوا می‌کنند و در گول زدن بی‌نظیرند. اینجا فرد بیش از پیش مستاصل می‌شود و حالش به مراتب بدتر! روان شناس امروز، با کتابی چون چه کسی پنیر مرا جابجا می‌کند می‌خواهد مردم را نجات دهد! در کل اینکه این کتاب‌ها جایگاه علمی ندارند و غالباً نوعی فریب به خود است که در اندک زمانی با شدت و حدت بیماری به سراغ‌تان می‌آید. اگر فردی هستید که زود عصبی می‌شوید، پرخاش‌گر شده‌اید، هیچ انگیزه‌ای ندارید و هزاران بلای دیگر را در خود حس می‌کنید بدانید شما بیمار روانی نیستید از این جهت که شما کاملاً به‌واسطه مسئله‌ای چون اقتصاد یا اجتماع یا... بیمار شده‌اید!



راهکار

این روزها در شرایط محدودیت‌ها و محذوریتهای خوگرفته رسانه‌های داخلی (اعم از رسمی و دولتی و مستقل و شبه مستقل)، مخاطبان



ملی به‌واسطه گستره فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات در جهان، منتظر خبر و گزارش و تحلیل ایشان نمی‌مانند و هر کدام از خوانندگان و بینندگان و شنوندگان، فراخور نیاز و خواست خود از طریق انبوه رسانه‌های خاصه بیرونی، به آگاهی دست می‌یابند. دست کم با سبک و سنگین کردن داده‌های رسانه‌ها و مقایسه تطبیقی‌شان با داده‌های بعضاً نسبی داخلی، نسبت به رخدادهای پیرامونی به یک روشنی می‌رسند تا فردا و پس‌فردا و ادامه این نظم و سیاق رسانه‌ای که برای خود تعریف کرده‌اند.

اینجا نگاه به صدا و سیمای ایران نیست که عملاً و به‌راستی «صدا و سیما»ی طیف معطوف به ثقل مرکزی قدرت و به مثابه یک تلویزیون مداربسته با دایره مخاطبان حدوداً ۱۰ میلیونی در یک جامعه هشتاد میلیونی است، بلکه اشاره و نگاه به لکت و در نهایت، یاس رسانه‌ای خاصه «مستقل» در ایران است که در چنبره همان محدودیت‌ها و محذوریتهای دیرپای ابلاغی، ناگزیر است همچنان با «داده‌های» که از شدت احتیاط و رفتار دست به عصاوارش بیشتر به «نداده» شبیه است، بخواهد مثلاً روشن‌گری کند که حتی‌الامکان نه سیخ بسوزد و نه کباب!

در حالی که رسانه‌های مستقل و آزاد، میدان آزاد برای فعالیت و تاثیرگذاری می‌طلبند در میدان آزاد رسانه‌ای است که می‌توان به تمامی زوایای سوژه نورتاباند. در حالی که رسانه‌های مرعوب و اخته، نسبتی با چنین میادین گسترده نورپراکنی ندارند، چون پیشتر با میادین توصیه‌شده و سفارشی مانوس‌اند.

در سال‌های پایانی جریان اصلاحات در ایران (سال ۸۴) حسام‌الدین آشنا (دانش‌آموخته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق) در لندن و در آستانه راه‌اندازی تلویزیون فارسی بی بی سی، بهروز آفاق (مدیر

## این جغرافیای غم‌زده و یاس رسانه‌ای

مخاطبان متنوع ایرانی ساکن وطن که ناگزیرند برای خبرگیری و پی بردن از چند و چون ماجرا در حال سبک و سنگین کردن داده‌های جهت‌دار رسانه‌های بیرونی و مطابقتش با یافته‌های داخلی باشند تا به یک جمع‌بندی نصفه و نیمه برسند. ای کاش این‌قدر «یاس رسانه‌ای» در کشور نبود و می‌شد مخاطبان ایرانی ساکن وطن، با رسانه‌های آزادشان، به اتفاق نفس بکشند.



وقت تولید برنامه‌های فارسی بی بی سی) را می‌بیند و از او می‌پرسد: «هدف‌تان از راه‌اندازی بی بی سی فارسی چیست؟» پاسخش کوتاه بود: «هر جا که شما آن‌جا حضور ندارید، ما آن‌جا می‌یم!» پاسخی که در میدان عمل، همچنان به قوت خود باقی است و امروزه پس از بیش از ۱۰ سال از این گفت‌وگوی کوتاه دو نماینده از دو رسانه متفاوت از هم، می‌بینیم آن‌قدر جا برای حضور رسانه‌های بیرونی گذاشته‌ایم که این سال‌ها دو، سه رسانه فارسی زبان دیگر نیز به کمک بی بی سی فارسی شتافته‌اند و میدان برایشان فراخ‌تر شده و اینجا سال به سال، تنگ و تنگ‌تر!

رادیو و تلویزیون که عملاً نداریم. خبرگزاری‌ها و مطبوعات داخلی هم که خیلی نمی‌توانند از داده‌ها و نداده‌های صدا و سیمای ایران فاصله بگیرند، می‌ماند یک عالمه میدان بی‌بست رسانه‌ای برای مثلاً همین تلویزیون‌های بیرونی که این روزها فاصله تحلیل‌های خبری‌شان از سوژه‌هایی که «مجموعه ایران» در اختیارشان قرار می‌دهد، از یکدیگر کوتاه و کوتاه‌تر شده است. در حالی که این‌جا مثلاً ممکن است با هزار احتیاط بشود با سردار حاجی‌زاده (فرمانده هوا و فضای سپاه پاسداران) یک مصاحبه ترتیب داد. یک مصاحبه مرجع؛ و فردا دیگر رسانه‌های ریز و درشت به تکثیر همین مصاحبه بپردازند. مصاحبه نیم‌بندی که همراه خود حامل انواع مجهولات است! مصاحبه‌ای که رفت تا شش ماه بعد و مصاحبه‌ای تازه که این هم به لحاظ فرم و مضمون، کهنه‌تر از قبل است! در حالی که رسانه‌های بیرونی از تک‌تک پاسخ‌های پرسش تولید می‌کنند. پرسش‌هایی که بخش اعظم مخاطبان داخلی هم نسبت به پرسش‌گر رسانه بیرونی احساس هم‌ذات‌پنداری دارند. مخاطبان جامانده داخلی. مخاطبانی که اقلیت جامعه ایرانی را نمی‌سازند. طیف اقلیت که همان تلویزیون مداربسته صدا و سیما کفایتش را می‌کند. می‌ماند چند ۱۰ میلیون



به بهانه درگیری هادی حجازی فر با یک خبرنگار در حاشیه جشنواره فجر

## حق زبان مادری

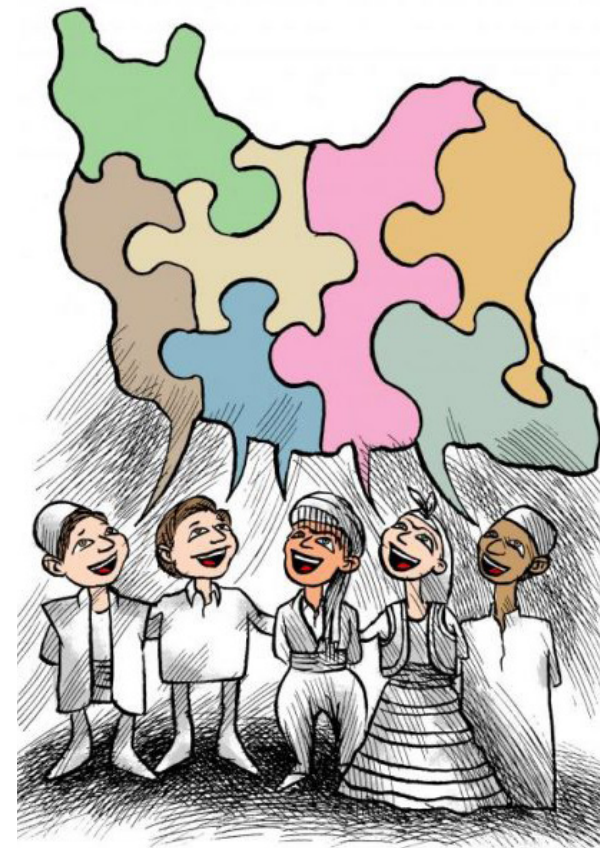
همگرایی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد و مغفول ماندن از آموزش زبان‌های مادری، برخی از استعدادها و ظرفیت‌های درونی و بیرونی نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور را مسکوت نگاه داشته است. وی اظهار داشت: در حال حاضر استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی صورت می‌گیرد، اما اجرای کامل اصل ۱۵ قانون اساسی گامی مهم و بنیادین در راستای پاسخ به یکی از مهمترین مطالبات اقوام کشور است. بدری ادامه داد: با اجرای این مهم دارایی‌های متنوع هزاران ساله فرهنگی و زبانی این مرز و بوم حفظ، نگهداری و ارتقا می‌یابد و با تثبیت موقعیت زبان‌های محلی و قومی کشور امکان اثرگذاری و راهبری فرهنگی در منطقه خاورمیانه برای جمهوری اسلامی مهیا شده است و به تبع آن کشور ما به کانون اشاعه فرهنگی منطقه تبدیل خواهد شد. سخنگوی کمیسیون عمران مجلس در پایان خاطر نشان کرد: حق آموزش به زبان مادری، قومی و محلی در بسیاری از اسناد و معاهدات حقوق بشری مثل منشور زبان مادری، اعلامیه جهانی حقوق زبانی، بندهای ۳ و ۴ ماده ۴ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های قومی، ملی، زبانی و مذهبی، ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تاکید قرار گرفته است و مهمتر از همه آن‌ها، قانون اساسی مترقی نظام اسلامی بر آن تاکید دارد.

با این حال سیدمحمد بطحایی وزیر پیشین آموزش و پرورش در همان سال گفته بود: در برخی مناطق مشاهده شده است با زبان محلی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که این موضوع بسیار خطرناک است، زیرا بچه‌ها زبان محلی را در خانواده فرا می‌گیرند پس باید زبان رسمی کشور را در مدرسه بیاموزند.

با آنکه حضور فیلم‌هایی با زبان مادری در جشنواره فیلم فجر دور از سابقه نیست، از جمله فیلم «خانه یا او» به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی اصغر یوسفی‌نژاد محصول سال ۱۳۹۵ که سیمرغ زرین و سیمین بهترین فیلم و فیلمنامه از سی‌وپنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر را نیز از آن خود کرد. حال باید دید که چنین بحث‌ها و حساسیت‌هایی در خصوص ساخت فیلم به زبان مادری در سینمای ایران نیز مطرح خواهد شد یا نه؟

موجود کرده‌اند که از موارد آن می‌توان به نام‌گذاری روز ۲۱ فوریه به‌نام روز جهانی زبان مادری اشاره کرد. بنگلادش اولین کشوری بود که در نوامبر سال ۱۹۹۹ پیشنهاد رسمی خود را مبنی بر نام‌گذاری روز ۲۱ فوریه به‌نام روز جهانی زبان مادری به سازمان یونسکو ارائه کرد. طرح ارائه‌شده از سوی دولت بنگلادش و انجمن جهانی طرفداران زبان مادری در سی‌امین نشست عمومی سازمان یونسکو به تصویب نمایندگان کشورهای عضو رسید. یکی از مهمترین نمودهایی که در زمینه مسئله زبان مادری رخ می‌دهد، حق آموزش دیدن و آموزش دادن به زبان مادری هر فرد است. امروزه اهمیت آموزش به زبان مادری با استناد به نتایج تحقیقات و پژوهش‌های متخصصان امور تربیتی و روان‌شناسی بر کسی پوشیده نیست. به‌طوری که در اسناد حقوق بشری از آن به عنوان یک حق بشری یاد می‌شود.

سال گذشته سخنگوی کمیسیون عمران مجلس از تدوین طرح تدریس به زبان مادری در مدارس کشور خبر داد و افزود: جمع‌آوری امضا در مجلس برای این طرح با جدیت دنبال می‌شود و در حال افزایش است. صدیف بدری با اشاره به تهیه و ارائه طرح اجرایی شدن اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گفت: با تصویب و اجرایی شدن این طرح، شاهد تدریس به زبان مادری در مدارس کشور خواهیم بود. نماینده مردم اردبیل، نمین، نیر، سرعین در مجلس شورای اسلامی افزود: اگرچه اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت تحصیل اقوام کشور به زبان مادری در کنار زبان فارسی در مدارس را آزاد عنوان می‌کند، اما متأسفانه برخی معذوریتهای، محدودیت‌ها و بعضاً تنگ‌نظری‌ها همواره مانع اجرای آن بوده است. وی که طرح اجرایی شدن اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تهیه و تدوین کرده است، بیان کرد: جمع‌آوری امضا در مجلس برای این طرح با جدیت دنبال می‌شود و در حال افزایش است؛ امیدوارم با تصویب و اجرایی شدن آن شاهد تدریس ادبیات زبان‌های مادری کشور در نقاط مختلف کشور باشیم. سخنگوی کمیسیون عمران مجلس با تاکید بر اینکه تنوع و تکثر نیروهای اجتماعی و قومی، جامعه را از ظرفیت‌ها و استعدادهای ویژه‌ای برخوردار می‌سازد، ادامه داد: بهره‌گیری مناسب از ظرفیت اقوام می‌تواند موتور رشد، توسعه،



نشست خبری فیلم سینمایی «آتابای» با حضور نیکی کریمی به‌عنوان تهیه‌کننده و کارگردان و هادی حجازی فر به‌عنوان نویسنده و عوامل فیلم برگزار شد. هادی حجازی فر بعد از اینکه یکی از خبرنگاران ایرادی به لهجه ترکی فیلم «آتابای» وارد کرد و گفت زبان رایج کشور فارسی است و باید به این زبان فیلم ساخته شود، به دفاع برخاست و گفت: هیچ فردی اجازه و حق توهین به زبان ترکی را ندارد. طبق قانون اساسی ادبیات ترکی باید در دانشکده ترک آموزش داده شود. این افکار جدایی‌طلبانه محصول نگاه و نگرش فاشیستی است که تعدادی از منتقدین و خبرنگاران حوزه سینما به این‌گونه آثاری متفاوت دارد.

جالب آنکه فیلم سینمایی «آن شب» اثر کوروش آهاری به تهیه‌کنندگی شهاب حسینی که با همکاری عوامل هالیوودی توسط کمپانی سون اسکای اینترتینمنت ساخته شده است، دیگر فیلم حاضر در این دوره جشنواره فجر است که به زبان غیرفارسی یعنی انگلیسی به نمایش درآمده و تا این لحظه حساسیتی به زبان انگلیسی آن از سوی اصحاب رسانه و منتقدان زبان ترکی فیلم «آتابای» نشان داده نشده است.

### اما قانون چه می‌گوید؟

احترام به زبان مادری و حق بر آموزش آن در قوانین و مقررات ایران جز بدیهیات و مسلمات حقوق ایران به‌شمار می‌آید، به‌طوری که قسمت اخیر اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کاملاً شفاف و صریح در این خصوص مقرر می‌دارد: استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است. همچنین اصول ۱۹، ۲۲ و ۲۳ این قانون با اشاره به برابری و هرگونه عدم تبعیض اجتماعی و فرهنگی و غیره به نوعی دیگر این حق مسلم بشری را مورد شناسایی قرار داده است. از طرف دیگر دولت ایران با الحاق به چندین معاهده بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز کنوانسیون حقوق کودک که طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به‌شمار می‌آیند، حق آموزش زبان مادری را بدون هیچ قید و شرطی به رسمیت شناخته است، بنابراین در پذیرش حق آموزش زبان مادری در حقوق ایران هیچ تردیدی وجود ندارد.

اهمیت زبان مادری - یعنی نخستین زبانی که شخص توسط آن با جهان اطراف خود آشنا می‌شود - بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. بر اساس هشدار جدی زبان‌شناسان مبنی بر احتمال نابودی ۴۰ درصد زبان‌ها، سازمان ملل و یونسکو اقدام به تدوین طرحی برای حفظ زبان‌های







● صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد آیتی  
● سردبیر: امیر حسین مصلی  
● مدیر هنری: عالیه اعتمادیان  
● وب سایت: www.ayatmandegar.ir

● آدرس: تهران - خیابان مطهری - خیابان میر عماد - کوچه نهم - پلاک ۳ - واحد ۴  
● تلفن: ۸۶۰۴۳۱۱۲  
● چاپ: نقش افست گرافیک  
● پست الکترونیک: ayatmandegar@yahoo.com

سرمقاله

## فحش می دهیم، پس هستیم!



بازار هتک حرمت و فحاشی در فضای مجازی چنان داغ شده که دیگر صدای همه مصلحان را درآورد است. این البته به این معنا نیست که در گذشته اوضاع گل و بلبل بوده و ملت ما همواره با سینه گشاده سخن مخالفان خود را می شنیدند و مولاناوار از کنار فحاشان می گذشتند و می گفتند «هرچه خواهی به من گوی، که گر هزار گویی، یک هم نشنوی».

هتاک در کمال تاسف بخشی از تاریخ ماست و حتی بسیاری از ادبای بزرگ ما در این باب طبع آزمایی کرده و به زبان شعر و نظم، مخالفین خود را نواخته اند.

گروهی از دوستان، حزب توده و جریانات مارکسیستی را باعث و بانی تشبیت فحاشی در فضای سیاست ایران معاصر می دانند. اما علیرغم نقش پررنگ آنان، نمی توان تمام تقصیر را به گردن آنان انداخت. برای مثال می توان به فحاشی های غریب گروهی از مذهبیبون به آیتا... صالحی نجف آبادی پس از تالیف کتاب ارزشمند «شهید جاوید» اشاره کرد که خود داستانی است پر آب چشم!

بنابراین نفس فحاشی برای ما ایرانیان چندان غریب نیست. پس چرا رفتار فحاشان مجازی ما را متعجب کرده است؟

شاید به این دلیل که انتظار داشتیم با افزایش ابزارهای ارتباطی و آگاهی عمومی، از شدت تعصبات سیاسی یا ایدئولوژیک ملت کاسته شده و نسل جدید برخلاف اسلاف خود به زبانی شسته تر یا مخالفین خود صحبت کند. به باور من، باید دو موضوع را از هم تفکیک کنیم. یک اینکه، آیا فحاشی مجازی پدیده نوظهور در میان ماست؟

پاسخ من «خیر» است. به دلایل مختلف، ما (و شاید سایر جوامع) همواره با دستیابی به ابزارهای نوین ارتباطی، به موازات بهره برداری مثبت، از آن ها جهت آزار سایرین نیز استفاده کرده ایم!

حتما به یاد داریم که همین چند سال پیش که اولین مدل گوشی های دارای بلوتوث به بازار آمده بود، کلیپ های صوتی فراوانی حاوی مزاحمت های تلفنی بین مردم دست به دست می شد!

یا حتی قبل تر از آن، شخصا بخاطر دارم که در روستایی، بعد از ورود تلفن و راه افتادن آژانس تلفنی، خیلی از اهالی با آژانس مذکور تماس می گرفتند و درخواست ماشین به اسم شخص دیگری می کردند و بعد از سر کار گذاشتن راننده بی نوا، به این شیرین کاری خود می خندیدند!

سال ها بعد کم کم تب این آزارها فرو نشست. هر چند که پیشرفت علم و دستیابی به تکنولوژی «کالر آیدی» نیز در این راه بی تأثیر نبود!

حال شاید بتوان امیدوار بود که مرور زمان این بار نیز شدت و حدت آزارهای مجازی را فرو بکاهد.

مسئله دوم، اما این است که آیا یک جریان، جنبش، گروه یا جبهه سیاسی می تواند با استفاده از چنین روشی به شمار هواخواهان خود بیافزاید؟ و اگر روزگاری به قدرت رسید، می تواند خشمی را که در نتیجه این خشونت های کلامی در میان افکار عمومی پدید آمده، مهار کند؟

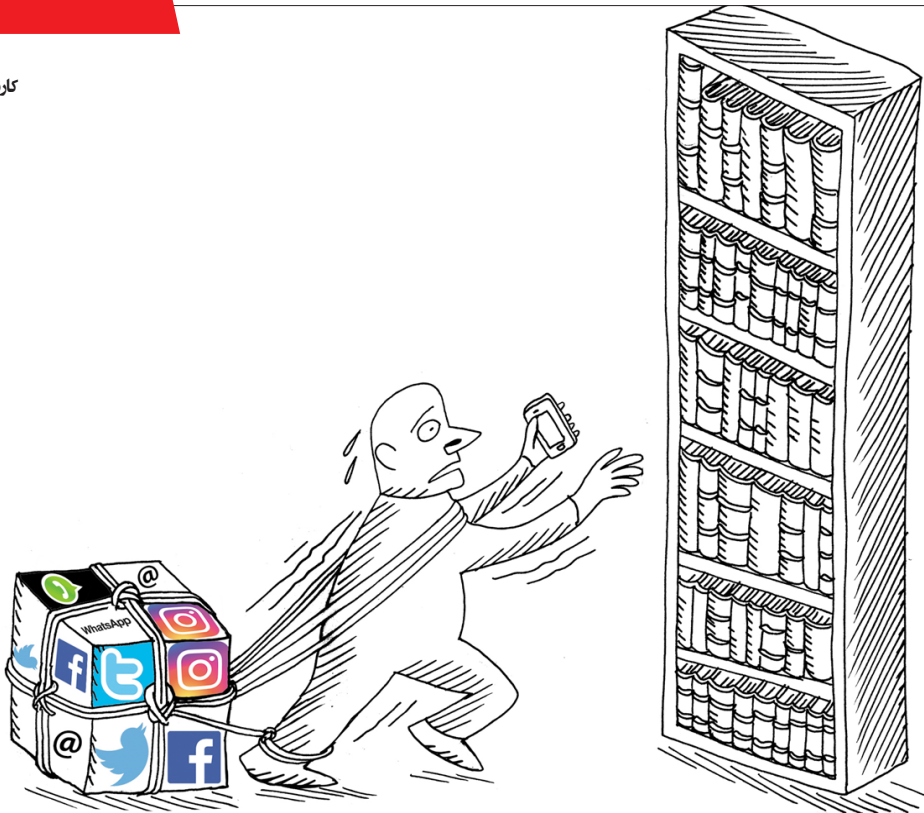
پاسخ عقل ناقص من به این پرسش نیز «خیر» است. بسیاری از فعالان مجازی در توجیه عمل فحاشان، می گویند که رفتار آنان واکنشی به اعمال و کردار حاکمان است. این گفته شاید بتواند فحاشی ها را قابل فهم کند، اما قطعاً قابل توجیه نخواهد کرد.

جریانات چپ و مارکسیستی پیش از انقلاب، اخلاق را «روینا» می دانستند و می گفتند «زیربنا» چیزی نیست جز یک جامعه بی طبقه و چنین نظامی بعد از استقرار، اخلاق خاص خود را نیز شکل می دهد. در حالی که تجربه حکومت های کمونیستی این تصور یا تحلیل را نقض کرده است.

حال افرادی که به نوعی به توجیه فحاشی ها می پردازند، باید به این پرسش پاسخ دهند که، حتی اگر تمام استنادات آنان پیرامون رفتار حاکمان درست بوده و فحاشی ها تنها نوعی واکنش به آن باشد، چگونه می توان امیدوار بود که در صورت رسیدن به قدرت، این خشونت کلامی به خشونت رفتاری تبدیل نشود!؟

نثری

عثمانی سیمانکا  
کارتونیست اهل کوبا



یادواره

## نگاهی به زندگی چارلز داروین

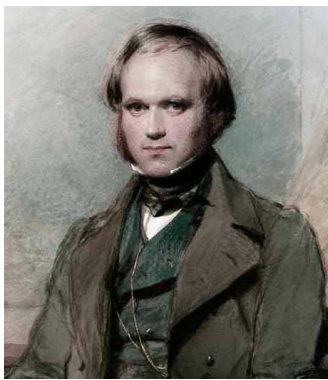
### خالق احساسات جهانی

فرهنگ ها و مردمان مختلفی از سراسر جهان برخورد کرد. با وجود مسئله زبان که مانع از برقراری ارتباط با مردم محلی می شد، او اشاره کرده است که به نظر نمی رسد احساسات مردم (همچون شادی، غم و اندوه، ترس و خشم) در فرهنگ های مختلف متفاوت باشند. این آغاز پژوهش های حرفه ای کم تر شناخته شده چارلز داروین در حوزه روانشناسی بود و در نهایت موجب پدید آمدن مفهومی شد که امروزه به نام «احساسات جهانی» شناخته می شود. او با بسیاری از دانشمندان برای مطالعه این پدیده ارتباط داشت؛ از جمله پزشک فرانسوی به نام گیوم بنیامین اماند دوشن. دوشن آزمایش های معروفی را با وارد کردن شوک الکتریکی به داوطلبان خود انجام داد. او پس از بررسی عضلات صورت، دریافت که تمامی ژست های انسانی ۶۰ نوع احساس را بروز می دهند.

سفر پنج ساله داروین در سراسر جهان به همراه کشتی بیگل که در سال ۱۸۳۶ به پایان رسید، منبع ارزشمندی برای پژوهش های او برای توسعه نظریه فرگشت و انتخاب طبیعی بود. داروین که نگران پذیرش عمومی و کلیسا در مورد نظریه فوق العاده رادیکالش بود، نظریه مشهور خود را تا سال ۱۸۵۹ منتشر نکرد. او در این زمان با طبیعی دانی به نام آلفرد راسل والاس در ارتباط بود که می خواست نظریه ای مشابه داروین را در محافل علمی منتشر کند. بنابراین داروین تصمیم گرفت سرانجام اثر مشهور خود را مطرح کند و به این ترتیب، سال بعد، داروین کتاب خاستگاه گونه ها را منتشر کرد.

برای بسیاری از ما نام چارلز داروین مترادف نظریه فرگشت و انتخاب طبیعی است. اما حتی قبل از انتشار کتاب مشهورش خاستگاه گونه ها (Origin of Species) در سال ۱۸۵۹، او با کتاب محبوب خود در مورد سفر بیگل در محافل علمی به خوبی شناخته شده بود و مورد احترام و ستایش دانشمندان

در زمینه زمین شناسی و زیست شناسی قرار داشت. اما خاستگاه گونه ها علاوه بر اینکه اوج دوران حرفه ای داروین به عنوان یک دانشمند محسوب می شود، حاوی برخی از مهم ترین نظریات داروین در مورد تنوع گونه ها، وراثت انسان و تکامل احساسات است. داروین در طول سفر مشهور خود با کشتی بیگل، با



شعرخوانی

ما را همه شب نمی برد خواب  
ای خفته روزگار دریاب  
در بادیه تشنگان بمردند  
وز حله به کوفه می رود آب  
ای سخت کمان سست پیمان  
این بود وفای عهد اصحاب  
خار است به زیر پهلوانم  
بی روی تو خوابگاه سنجاب  
ای دیده عاشقان به رویت  
چون روی مجاوران به محراب

من تن به قضای عشق دادم  
پیرانه سر آمدم به کتاب  
زهر از کف دست نازنینان  
در حلق چنان رود که جلاب  
دیوانه کوی خو برویان  
در دش نکند جفای بواب  
سعدی نتوان به هیچ کشتن  
الا به فراق روی احباب

سعدی

